ایران
صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۲۰/۱۹ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۴/۴۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۰

سخن روز

پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم: هر کس میانه‌روی کند، خداوند بی نیازش سازد و هر کس ریخت و پاش نماید، خداوند فقیرش کند، هر کس فروتنی پیشه کند، خداوند بلندش نماید و هر کس بزرگی کند، خداوند خُردش نماید. **نهج الفصاحه ص۷۵۵، ح۲۹۳۹**

محمدهادی کریمی: تلویزیون خود را رقیب پلتفرم‌ها نداند

اگرچه مشکلات اکران نوپای آنلاین مثل قاچاق فیلم، نمایش‌های متعدد ماهواره‌ای، نادیده گرفته شدن این نوع اکران توسط تلویزیون در زمینه تبلیغات و آگهی‌های بازرگانی، فراگیر نبودن تعداد کاربران پلتفرم‌ها با توجه به جمعیت کشور و حتی ایرانیان خارج از کشور، کندی سرعت اینترنت و... همه سرجای خود برقرار هستند، اما بالاخره باید از این نوع اکران حمایت کرد، آن را به عنوان یک جایگزین اکران سینمایی تقویت کرد و اشکالاتش را مرتفع ساخت. باید عزم جدی برای این قضیه باشد و گام اول هنگامی برداشته می‌شود که تلویزیون خود را رقیب پلتفرم‌ها نداند.

بخشی از صحبت‌های این کارگردان با ایسنا

همه دیر یا زود می‌میرن. نگران مرگت نباش. نگران زندگیت باش. کنترل زندگیتو به دست بگیر. تا هر زمانی که ادامه پیدا کنه.

بازی تاج و تخت

نـــگاره
محسن ناصری

همین لباس زیباست نشان آدمیت...
ماسک بزنیم

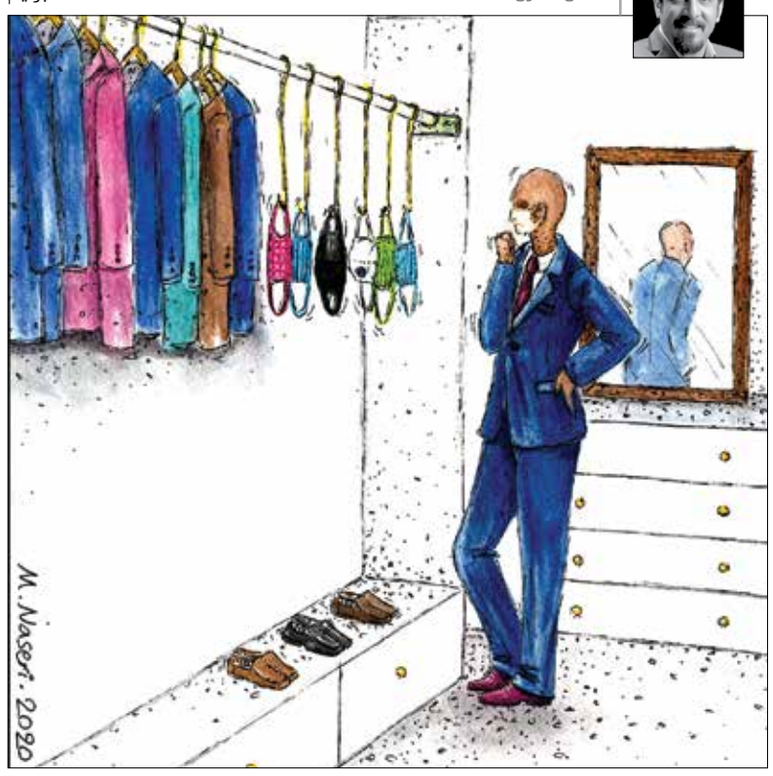

مراسم یادبود خسرو سینایی به صورت مجازی برگزار شد

برای سینمای ما زیادی نجیب بود

سینمای ایران
نرگس‌عاشوری
خبرنگار

انتشار پوستر سخنرانان مراسم یادبود خسرو سینایی در صفحه‌های شخصی اهالی سینما دعوتی بود از علاقه‌مندان سینما برای یک گردهمایی. این‌بار نه در خانه سینما و با محدودیت‌های معمول. کانون کارگردانان سینما در اقدامی بدیع در روزهای اعمال فاصله‌گذاری اجتماعی، تصمیم گرفت یادبود مجازی این فیلمساز، شاعر و آهنگساز را ساعت ۲۰ روز جمعه ۱۷ مردادماه در صفحه اینستاگرام این صنف برگزار کند. کانون کارگردانان در دومین تجربه بعد از مراسم یادبود سیامک شایقی، برنامه‌ای کم‌نقص‌تر از دوره قبل اجرا کرد. برقراری ارتباط با اغلب چهره‌های درج شده در پوستر، بسته بودن کامنت بازدیدکنندگان در بیشتر مواقع، ارتباط راحت‌تر با میهمانان گواهی بود بر اینکه برگزارکنندگان برنامه با هماهنگی و شناخت بهتر از فضای مجازی، با وجود اختلال اینترنت در مسیر رسیدن به تجربه‌های موفق‌تر در لایو اینستاگرام هستند؛ فرصت و فضایی که حمید فرخ‌نژاد، مجری برنامه با طعنه و شوخی گفت: «خدا را شکر این فضا هست که با هم باشیم. هنوز فیلترنشده است.»

■ **همچنان در کوچه‌های بی‌انتهای عشق**

«مرثیه‌سرای آوارگان ستم‌دیده، راوی رنج و شادی و مهر، همچنان در کوچه‌های بی‌انتهای عشق، در جست‌وجوی نور و رنگ و زیبایی، گام برمی‌دارد. خسرو سینایی، فیلمساز، موسیقیدان، شاعر، نویسنده، آموزگار و از اهالی شایسته سرزمین بی‌مرز هنر و فرهنگ، از این پس در آثارش، به زندگی ادامه می‌دهد. جایش کنار ما خالی است، نامِ و یادش اما خواهد ماند، تا همیشه.» فرخ‌نژاد رأس زمان وعده شده، برنامه را با قرائت این متن در رثای خسرو سینایی آغاز کرد که به همت رخشان بنی‌اعتماد به امضای ۶۳۰ هنرمند رسیده است. او که تسلط قابل قبولی در اجرای برنامه زنده داشت در ادامه به درگذشت ماه‌چهره خلیلی اشاره کرد و در بخش‌های مختلف اطلاعاتی از فعالیت هنری سینایی ارائه کرد.

■ **چند آرزوی سینایی از زبان فرزندش**

پس از تلاوت آیاتی از سوره الرحمن توسط محمد موسی‌زاده و پخش قطعه‌ای موسیقایی از آثار خسرو سینایی، محسن امیریوسفی که در مکان برگزاری مراسم حضور داشت به عنوان اولین سخنران، از حسرت ساخت فیلم «قطار زمستانی» یاد کرد و از شخصیت هنری چندوجهی سینایی گفت. این فیلمساز، از سینایی به عنوان کارگردان تکرارنشدنی سینمای ایران و نسل استثنایی دهه ۴۰ یاد کرد؛ از نسلی که به گفته او در آن امثال تقوایی، بیضایی، مهرجویی و کیمیایی را داریم. گفت‌وگو با خانواده سینایی؛ فرح اصولی، آلما، گیزلا و سام و سمیرا سینایی از بخش‌های دیگر این برنامه بود. فرح اصولی از نگاه هنری این فیلمساز گفت و او را آرتیست مدرن نامید. گیزلا خاطره‌ای از ساخت فیلم کوتاه «ماهیگیر» در وین تعریف کرد و سمیرا آخرین دستنوشته پدرش را خواند: «زندگی آمدن و رفتن کوتاهی بود، که از هر راه که رفتیم در آن چاهی بود. دائم از چاه رهیدیم و فتادیم به چاه. عقل‌مان راهنمای بد و گمراهی بود.» و سام هم از آرزوهای پدرش گفت: «دخترانی مثل احلام حق انتخاب شیوه زندگی‌شان را داشته باشند. پناهجویان کرد و لهستان و افغان و... بابت مهاجر بودن مورد تبعیض و خشونت قرار نگیرند. سینماگران آزاد از تیغ سانسور آنچه باور دارند بسازند. دستاوردهای فرهنگ و هنر گذشته در بطن هویت امروزمان زنده باشد.»

■ **خاطره معتمدآریا از یک والس بی‌نظیر**

فاطمه معتمدآریا دیگر سخنران این مراسم بود. او با اشاره به خانواده هنرمند این فیلمساز گفت: «آرتیست بودن فقط ارائه اثر هنری نیست، با منش و اخلاق است که آرتیست ماندگار می‌شود.» معتمدآریا در ادامه خاطره‌ای از ضبط موسیقی «شهر موش‌ها» تعریف کرد: «آن زمان من بسیار جوان بودم سینایی آکاردئون می‌زد؛ یک والس بی‌نظیر. هنوز خاطرم هست زمانی که او سازمی‌زد دل همه ما می‌تپید.»

■ **نجابت صفت او بود**

«سینایی برای سینمای ما زیادی نجیب بود.» این عبارت‌ها ترجیع‌بند صحبت‌های بهمن فرمان‌آرا درباره سینایی بود: «خسرو برای سیستم مدار بسته ما که فقط دوست را می‌خواهد، زیادی نجیب بود و در نتیجه کارهایی را که می‌خواست، نتوانست به نتیجه برساند. به او می‌گفتند بودجه نیست درحالی که برای کسی که تازه به سینما آمد ۵۰ برابر بودجه وجود داشت. او حرص می‌خورد اما از جنسی نبود که در روزنامه‌ها مصاحبه کند. نجابت بهترین صفتی است که می‌توان درمورد او گفت. اما او در بیزینسی، نجیب بود که خیلی نجابت به کار نمی‌آید. سینایی از جنس چاپیدن و زرنگی نبود.»

■ **اعتراضش هم محترمانه بود**

رخشان بنی‌اعتماد به دلیل کسالت در برنامه حضور نداشت اما شعری از سینایی در پس زمینه ساخته‌های موسیقایی او، با صدای بنی‌اعتماد پخش شد. بابک احمدی با ابراز ناراحتی از بی‌مهری‌ها و جفاهایی که به سینایی شد، اظهار امیدواری کرد برای امثال سینایی که تعدادشان کمتر از انگشتان یک دست است این اتفاق تکرار نشود. همایون اسعدیان از زندگی محترمانه به عنوان آموخته بزرگ سینایی برای اهالی هنر یاد کرد: «ایشان به ما محترم بودن را یاد دادند، حتی نسبت به شرایط محترمانه اعتراض می‌کرد و متأسفانه این محترم بودن را کم داریم.» علی لقمانی (فیلمبردار) از سینایی به عنوان سنگ صبوری یاد کرد که در کنار او متوجه گذر زمان نمی‌شدی: «برخی آدم‌ها وقتی کنارشان هستی احساس می‌کنی چیزی به تو اضافه می‌شود، رشد می‌کنی و سینایی چنین آدمی بود.»

■ **تاریخ از دست دادن فرصت‌ها و شخصیت‌ها**

صحبت‌های ناصر فکوهی (جامعه‌شناس) حول محور شناخت سینایی از جامعه و تاریخ ایران بود: «از گفت‌وگوهایش می‌شود عمق دانش را به جامعه ایران دید. با وجود اینکه حرفه‌اش جامعه‌شناسی نبود اما همه مسائل را بخوبی تحلیل می‌کرد و در واقع دید جامعه‌شناسی عملی داشت. تاریخ کشور ما تاریخ از دست دادن موقعیت‌های مناسب و فرصت‌ها و شخصیت‌هاست. کسانی که می‌توانستند کارهای بزرگ در سینما، تئاتر و ادبیات و... انجام دهند به دلیل فقدان شرایط نتوانستند. بهترین خدمت به سینایی ادامه راهش است.» در ادامه احمد نادعلیان (هنرمند و نقاش) از سابقه آشنایی با سینایی با «کوچه پاییز» گفت تا ساخت «جزیره رنگین». هوشنگ گلمکانی (منتقد سینما) آخرین سخنران مراسم هم از رابطه استاد و شاگردی سینایی در دانشگاه گفت و در بخشی از صحبت‌هایش تأکید کرد: «سینایی شمالی بود اما فیلمی درمورد آبادان و جنوب ایران ساخت که این همه برما تأثیر گذاشت و این کار کمی نیست.»

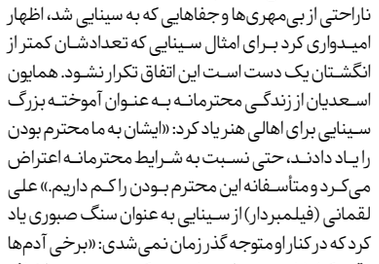

عکس از م.صیاد
مجله تصویری آدینه: نگاهی به نمایشگاه عکس‌های انقلاب داشته. محمد صیاد از پیشکسوتان عکاسی خبری در ایران است. آدینه این هفته را به مناسبت روز خبرنگار به نمایشگاه عکس او که این روزها در گالری نبشی تهران برپاست اختصاص دادیم.

برنامه «کیو آر اسکنر» را می‌توانید از اپلیکیشن‌های مختلف دانلود کنید.

منطقی‌ترین تصمیم برای کنکور کرونایی

یکی از هزارتا

پیام فروتن
طراح و استادیار دانشگاه تهران

اگر کرونا تمام ارکان زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده و باعث بروز تغییر در بسیاری از عادات ما شده است سازماندهی بسیاری از برنامه‌های معمول اجتماعی و فرهنگی نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از مهم‌ترین این رویدادها، برگزاری کنکور سراسری است، برنامه‌ای که هر سال در موعد مقرر برگزار و صدها هزار تن در آن شرکت می‌کنند. با این حال، کنکور سال ۹۹ با تمام سال‌ها متفاوت است؛ بسیاری با زدن هشتگ در شبکه‌های اجتماعی، نسبت به برگزاری کنکور در شرایط کرونایی انتقاد کرده و بسیاری دیگر گریزی از برگزاری آن نمی‌دانند. این در حالی است که بالاخره نظام آموزش عالی تصمیم خود را گرفت و در نهایت قرار شد کنکور سال جاری باوجود خطرات آن، با رعایت پروتکل‌های لازم در اواخر مرداد برگزار شود. در این میان، نگارنده به‌عنوان یک عضو هیأت علمی هنر و کسی که مدتی وظیفه معاونت آموزشی یک دانشکده هنری را بر عهده داشته از این تصمیم استقبال کرده و آن را منطقی‌ترین تصمیم در شرایط حال می‌داند.

اگر کنکور سراسری امسال برگزار نمی‌شد یا با تعویق آن موافقت می‌شد، مشکلات تقریباً جبران‌ناپذیری - بخصوص در رشته‌های مربوط به هنر - به وقوع می‌پیوست که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

یکم: تعداد بسیاری از داوطلبان، ماه‌ها و سال‌ها تلاش کرده و خود را برای این روز آماده کرده‌اند، آنها تمام آینده خود را در این روز خاص می‌بینند؛ برای زندگی و آینده خود برنامه‌ریزی کرده‌اند و حتی از دقایق خود بهره برده‌اند. توجه کنیم که بسیاری از داوطلبان با مشکلاتی نظیر خدمت سربازی نیز روبه‌رو هستند. بدین ترتیب در صورت برگزار نشدن کنکور، تمام این برنامه‌ریزی‌ها از بین رفته و حسی از یأس و ناامیدی در میان بسیاری از جوانان به‌وجود می‌آمد. توجه کنیم که بسیاری از داوطلبان رشته‌های هنری از ضریب سنی بالاتری نسبت به سایر رشته‌ها برخوردارند.

دوم: تعداد معتنابهی از رشته‌های دانشگاهی هنر به‌صورت نیمه‌متمرکز برگزار می‌شوند. این بدان معنا است که کنکور سراسری تنها بخشی از آزمون ورود به دانشگاه بوده و سیر پذیرش دانشجو به پایان نمی‌رسد. اوراق کنکور باید تصحیح شده و اسامی به‌صورت چند برابر ظرفیت اعلام شوند. در ادامه، داوطلبان باید در آزمون عملی و مصاحبه شرکت کرده تا نتیجه نهایی مشخص شود. بدین ترتیب عدم برگزاری یا به تعویق انداختن کنکور می‌توانست در این فرآیند نیز اخلال جدی به وجود آورد.

سوم: تمام دانشگاهیان با تقویم دانشگاهی آشنا هستند. جابه‌جایی در تقویم آموزشی می‌تواند مشکلات عمده‌ای را برای دانشجویان جدید و قدیمی به وجود آورد. حتی یک ترم مرخصی هم می‌تواند برای اخذ دروس دارای پیش نیاز تبعات سنگینی به‌دنبال داشته و فرآیند تحصیلی دانشجوی متقاضی مرخصی را مختل سازد. بدین ترتیب اگر ورودی‌های سال جاری در بهمن امسال وارد دانشگاه می‌شدند، عملاً در نیمسال دوم که نسبت به نیمسال نخست تحصیلی، اصولاً جدی و دارای جلسات کامل نیست وارد دانشگاه می‌شدند و تا به خود می‌آمدند، یک سال تحصیلی را از دست می‌دادند.

چهارم: در صورت عدم برگزاری کنکور در سال جاری، داوطلبان امسال به داوطلبان سال آینده می‌پیوستند؛ در حالی که ظرفیت دانشگاه‌ها و پذیرش دانشجویان - حداقل در رشته‌های هنری - تغییری نمی‌یافت. آیا این رویداد به نفع داوطلبان سال‌های جاری و آینده بوده است؟

پنجم: نگرانی بسیاری از مسئولان برگزاری آزمون سراسری، تجمع والدین در برابر حوزه‌های امتحانی است. این دیگر یک قضیه کاملاً فرهنگی است که به خود خانواده‌ها بازمی گردد. والدین می‌توانند از حضور در محوطه خارجی آزمون پرهیز کرده و در خانه‌های خود بمانند؛ بی‌تردید حضور آنها در پشت درهای بسته کنکور، تغییری در نتیجه آزمون عزیزانشان به بار نخواهد آورد!

ششم: در حالی که غالب پزشکان و مسئولان معتقدند، ویروس کووید۱۹ در فصل پاییز و زمستان از قدرت و فراگیری بیشتری برخوردار خواهد شد، بی‌تردید بهترین زمان برگزاری کنکور همین موقع خواهد بود. براستی چه تضمینی وجود دارد که در ماه‌های آتی از شدت این بیماری کاسته شود؟! این در حالی است که ریاست سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده، همگی ما باید با زندگی در کنار کووید۱۹ کنار بیاییم و به آن عادت کنیم.

ما، بیروت و تصاویر تحریف شده

سایه روشن

محدثه واعظی‌پور
منتقد

در محل کار جدیدم با یک زوج سوری همکارم. زوجی جوان که یک دهه است در ایران زندگی می‌کنند، همین‌جا سینما خوانده‌اند و در فضای رسانه‌ای فعالیت می‌کنند. صادقانه بگویم، تصویری که از مردم سوریه داشتم با آنچه ماه‌های اخیر و به‌دنبال معاشرت با این همکاران جدید دیده‌ام زمین تا آسمان فرق دارد. آنها زبان فارسی را بخوبی آموخته‌اند، حتی شوخی‌ها و تکیه کلام‌های ما را می‌شناسند و از احساسی که نسبت به بعضی از مردم کشورهای خاورمیانه داریم بااطلاع هستند. حضور در ایران، برای آنها با دردسرها و مشکلاتی همراه بوده، اما تقریباً احساس خوبی به این مهاجرت دارند. دخترشان، اینجا متولد شده و زندگی‌شان چند سالی است با سرنوشت ما گره خورده است. زبان مشترک و تجربه زیست مشترک، ما را بهم پیوند داده و نزدیک کرده است. ما اعضای یک تیم هستیم شبیه خانواده که تلاش می‌کنیم همراه هم باشیم، بدون توجه به تاریخ، فرهنگ و مرزهایی که ما را از هم دور می‌کند.

چهارشنبه گذشته انفجاری عظیم، بخشی از بیروت، با همه زیبایی‌هایش، را به ویرانه تبدیل کرد. تصاویر هولناک، شبیه فیلم‌های آخرالزمانی هالیوود بود، حتی یک لحظه تصور اینکه چنین کابوسی بخشی از ایران را ویران کند، دلهره‌آور است.

تعدادی از ما، آن روز به بیروت فکر می‌کردیم، به حادثه‌ای که سرنوشت صدها انسان را تغییر داده، فقدان‌هایی تراژیک رقم زده و خاورمیانه را با بحرانی تازه مواجه کرده است. سابقه دوستی با زوج سوری، احساس من درباره این فاجعه را عوض کرد. تصویری که از بیروت و لبنان داریم اغلب محصول رسانه‌های داخلی و خارجی است و بیشتر، رنگ و بوی سیاسی دارد. همان‌طور که سوریه را با داعش می‌شناسیم و ویرانی عظیمی که در این سال‌ها بر زندگی مردم این کشو ر، آوار شد. گویی پیش و پس از این جنگ‌ها، چیزی وجود ندارد.

برای ما که در حوزه رسانه و بویژه سینما فعالیت می‌کنیم، درک این نکته ساده است که تصاویر و رسانه‌ها چگونه توجه و تمرکز افکار عمومی را نسبت به پدیده‌ها تغییر می‌دهند و جهت‌دهی می‌کنند؛ اما شاید مردم متوجه این موضوع نباشند که سریال‌ها و فیلم‌ها، انگاره‌هایی برای آنها ساخته‌اند که حتی می‌تواند حسشان نسبت به مرگ یا رخدادهایی عظیم از این دست را تحت تأثیر قرار بدهد.

به‌همین دلیل مردن آدم‌ها در خاورمیانه، عادی به‌نظر می‌رسد و یک اتفاق تکراری است که حتی ارزش چند دقیقه فکر کردن ندارد، اما حوادثی بسیار کوچک‌تر در اروپا می‌تواند ماه‌ها ذهن و احساس ما را درگیر کند.

در اینکه رسانه‌های غربی، ما را آنگونه که می‌خواهند یا می‌پسندند نشان می‌دهند شکی نیست، اما اینکه ما در خاورمیانه دوست داریم با چه عناصر و نمادهایی شناخته و معرفی شویم، بحثی دیگر است. با نزار قبانی؟ غاده السمان، آدونیس، محمود درویش، نادین لبکی، عباس کیارستمی؟ اصغر فرهادی، احمد شاملو، سیمین بهبهانی یا... زندگی ما در خاورمیانه زیر سایه سنگین سیاست است و افسوس که سیاست، عواطف انسانی را مختل کرده است. ما هم مثل خاورمیانه، مظلومیم و درک نشده. دور از هم، اگرچه یک پیکر واحدیم.

«داستان ازدواج» فیلمی آموزنده است

چی ببینیم

مسعود طاهری
فیلمساز و پژوهشگر

فیلم «داستان ازدواج» (Marriage Story) اثر نوآ بامباک از جمله فیلم‌های دراماتیکی است که حول محور یکی از مشکلات جامعه مدرن امروزی ساخته شده است. فیلمساز در این فیلم سعی کرده است که به یکی از چالش‌های مهم زندگی انسان مدرن و جامعه شهرنشین، یعنی طلاق بپردازد که جامعه بشری را با تمام پیچیدگی‌هایش خیلی درگیر کرده است. فیلم به دلیل محتوا و نگاه بسیار متعهدانه‌ای که در این زمینه دارد متکی بر فیلمنامه بسیار دقیق و حساب شده نوشته و کارگردانی شده است.

فیلم، داستان یک زوج هنرمند تئاتری (زن بازیگر و مرد کارگردان) در شهر پرهیاهوی نیویورک است که تصمیم می‌گیرند از یکدیگر جدا شوند. اما کسانی که در این ماجرا به‌عنوان وکلای این دو وارد می‌شوند، سعی می‌کنند این رابطه را به مخاطرات حقوقی و در نهایت دشمنی و کینه بکشانند. از اهم چیزهایی که فیلمساز می‌خواهد به فرد در آستانه جدایی زناشویی بگوید این است که برای این جدایی نیازی به نابودی همدیگر نیست، احترام به اخلاقیات و حفظ شأن انسانی ولو در حال جدایی، چیزهای مورد تأکید او است. طلاق یک مسابقه و رقابت میان دو نفر یا دو گروه نیست، بلکه شاید گاهی یک راه حل اجباری برای برون‌رفت هر دو نفر درگیر آن از موقعیتی بحرانی باشد، خود فیلمساز به استناد سکانس‌های مختلف به نظر می‌آید با خود طلاق هم چندان موافق نیست و معتقد است که اگر کمی ایثار به خرج بدهیم می‌توانیم از همان هم جلوگیری کنیم اما اگر تن به طلاق هم می‌دهیم باز لزومی به اینکه سبعانه به جان هم بیفتیم نیست.

خوبی فیلم این است که نشان می‌دهد قوانین در عین اینکه می‌توانند حمایتگر انسان باشند، می‌توانند به نوعی نابودگر او هم باشند. نکته مهم دیگر این است که فرق قانون و مسائل اخلاقی را می‌توان در چالش جدایی بخوبی درک کرد. مادامی که مسائل اخلاقی را رعایت نکنیم قطعاً پای قانون باز می‌شود، بنابراین به خاطر خلأهایی که در قانونی که توسط بشر پرنقص نوشته شده وجود دارد، می‌تواند اجرای همان قانون موجب برخورد قهرآمیز، نفرت و حتی کینه میان دو طرف شود کاری که دو شخصیت فیلم از آن اجتناب می‌کنند.

به نام تاریخ

■ **۱۹ مرداد**

صد و چهل و سومین روز از سال را هم با مرور آثار چهره‌هایی که امروز متولد شده یا درگذشته‌اند، بگذرانیم.

■ **تولدها**

ملک جهان خزایی: طراح صحنه و لباس سینما و تئاتر سال ۱۳۲۸ در چنین روزی به دنیا آمد. او در دانشگاه لندن نقاشی و مجسمه‌سازی خواند و پس از آن دوره کارآموزی را در رویال شکسپیر گذراند. کار طراحی صحنه و لباس را هم از لندن در سال ۱۹۷۰ آغاز کرد، البته در کنار آن نویسندگی و تصویرگری کتاب هم انجام می‌داد که «سنگ صبور» و «شاهزاده آهو» از آثارش در این زمینه بود و جایزه بهترین نویسنده و تصویرگر کتاب سال را هم برایش همراه داشت و نویسنده برگزیده انجمن زنان در فرانسه شد. پس از طراحی صحنه برای چند نمایش در انگلستان در سال ۱۹۷۲ به‌دعوت وزارت فرهنگ و هنر به ایران بازگشت و به‌عنوان طراح دائمی اداره تئاتر کارش را آغاز کرد. نمایش‌هایی مانند «سنگ و سرنا»، «بنگاه تئاتر ال» و «قصه ماه پنهان» با طراحی صحنه و لباس توسط او روی صحنه رفتند. همزمان کار در تلویزیون را هم آغاز کرد و در سریال‌هایی مانند «سمک عیار» و «افسانه‌های کهن فارسی» فعالیت کرد. فیلم «شازده احتجاب» نخستین فیلمی است که خزایی طراحی صحنه و لباس آن را انجام داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم کار او را در فیلم‌هایی مانند «ضیافت»، «صنم»، «فصل پنجم»، «نسل سوخته»، «باران»، «دختری به نام تندر» و «بانوی کوچک» دیدیم. او برای طراحی صحنه و لباس فیلم «تولد یک پروانه» و «بلندی‌های صفر» سیمرغ بلورین بهترین صحنه آرایی را از جشنواره فیلم فجر گرفت.

پژمان بازغی: بازیگر سینما و تلویزیون امروز ۴۶ ساله می‌شود. پژمان بازغی هنگام تحصیل در رشته مهندسی معدن در لاهیجان فعالیت در سینما را آغاز و با ورود به سینمای جوانان مرکز گیلان در سال ۷۳ و بازی در فیلم «اعتراف» کارش را به‌صورت جدی دنبال کرد. بازی در سریال «آژانس دوستی» باعث شد به شهرت برسد و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «جوانی» و «بلوغ» بازی کرد و فعالیتش را با «سربازهای جمعه»، «دوئل»، «کافه ستاره»، «ریسمان باز»، «مرگ کسب و کار من است»، «خنده‌های آتوسا»، «بارکد»، «ناهید» و «سمفونی نهم» در سینما ادامه داد. «بوی باران»، «پایتخت»، «دریایی ها»، «گمگشته»، «زیر آسمان شهر»، «روزهای بی‌قراری» و «هشت و نیم دقیقه» هم از سریال‌هایی هستند که بازغی در آنها بازی کرده است.

● **مهدی ابراهیم‌پور** داستان نویس، **کوروش رنجبر** شاعر، **رابرت آلدریچ** کارگردان امریکایی و **کانگ بیول** بازیگر کره‌ای هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

محمود درویش: ۱۲ سال از مرگ شاعر مشهور فلسطینی می‌گذرد. محمود درویش متولد ۱۹۴۱ بود و از دوران مدرسه سرودن شعر را آغاز کرد. در ۱۹ سالگی اولین مجموعه شعرش منتشر شد و با انتشار دومین مجموعه شعر به نام «برگ‌های زیتون» در سال ۱۹۶۴ به‌عنوان یکی از شاعران پیشروی شعر مقاومت شناخته شد چون آثار درویش بیشتر به فلسطین و مقاومت مردم این کشور می‌پرداخت. او روزنامه نگاری هم می‌کرد و سردبیر روزنامه الاتحاد بود و مدتی هم برای روزنامه الاهرام مصر کار کرد. در سال ۱۹۷۱ به بیروت رفت تا به سازمان آزادیبخش فلسطین ملحق شود. محمود درویش در این سازمان به‌عنوان مدیر مرکز پژوهش‌ها منصوب شد و یکی از فصلنامه‌های ادبی و مدرن جهان عرب را به نام «الکرمل» منتشر کرد. به‌دلیل اینکه اشعار او بیش از هرچیز به انتفاضه و جنگ‌های لبنان می‌پردازد بسیاری از آنها اکنون جزو اشعار مورد علاقه مردم هستند و توسط آنها خوانده می‌شود. جایزه ابن سینا، صلح لنین، لوتس و مدال آثار ادبی و جایزه آزادی فرهنگی از بنیاد لبنان جوایزی است که درویش گرفته است. او بیش از ۳۰ دفتر شعر منتشر کرد که «بر کرده خود پوزش مخواه»، «یازده ستاره»، «سریر زن غریبه»، «در محاصره» و «عاشقی از فلسطین» از جمله آثارش هستند.

هرمان هسه: نویسنده و نقاش آلمانی- سوئیسی سال ۱۹۶۲ در چنین روزی درگذشت. هرمان هسه در سال ۱۸۷۷ به دنیا آمد و از جوانی با کتاب و نوشتن انس گرفت اما ابتدا بیشتر به نقاشی می‌پرداخت و پس از آن نویسندگی را جدی‌تر دنبال کرد. «پیتر کامنسیند»، «زیر چرخ»، «دمیان»، «گرترود» و «گرگ بیابان» مهم‌ترین آثاری هستند که از هرمان هسه منتشر شدند. آثاری که او را به‌عنوان پرخواننده‌ترین نویسنده اروپایی قرن بیستم معرفی کردند. او به‌دلیل قدرت نویسندگی و شکوفایی اندیشه و شجاعت در بیان اندیشه‌های انسان‌مداری و سبک عالی نگارش در سال ۱۹۶۴ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. هسه از نوجوانی دچار مشکلات روحی بود و یک بار هم به‌دلیل افسردگی خودکشی کرد اما بیماری شیزوفرنی همسرش باعث شد در سال ۱۹۱۶ به یک بحران عمیق روحی دچار شود. فلسفه هندی و آثار گوستاو یونگ و زیگموند فروید تأثیر زیادی بر هسه و آثارش داشتند.

عکس نوشت

اولین دوره کنسرت آنلاین موسیقی دستگاهی از پنجشنبه‌شب با اجرای گروه موسیقی فیه ما فیه به سرپرستی سعید نایب محمدی در تالار رودکی آغاز شد و تا فردا شب هم ادامه دارد. این کنسرت‌ها در ادامه اجرای آنلاین موسیقی به‌دلیل شیوع بیماری کرونا برگزار می‌شوند. گروه‌های آوای ابریشم و تیام جمعه و شنبه شب اجرا کردند و امشب گروه نقش و فردا گروه نواساز روی صحنه می‌روند. ساعت ۲۱ از طریق تلویزیون اینترنتی تیوا می‌توانید این اجراها را تماشا کنید.